



افراد کل نگر چه خصوصیات فکری دارند

پرورش تفکر کل نگر

وقتی صحبت موفقیت پیش می آید، انسان ها را با متر یا کیلو، درجه ی علمی یا پیشینه ی خانوادگی نمی سنجند، بلکه آنها با میزان اندیشیدنشان سنجیده می شوند.
« دیوید شوارتز »

تفکر کل نگر می تواند برای هر کس در هر شغل و پیشه ای که دارد سودآور باشد. وقتی فردی مانند جک ولش به یک کارمند گوشزد می کند که اهمیت ارتباط مداوم با مشتری از فروش محصول بیشتر است، در واقع توجه کارمند را به کل نگری جلب کرده است.

وقتی والدینی از درس نخواندن فرزندشان در مدرسه ناراحتند و یا از بی کله رانندگی کردن او در نوجوانی بیزارند، زیاد نگران نمی شوند زیرا می دانند که این دوران موقتی است.



این موضوع نشانگر کل نگری آنها است.



به قول تاجر معروف : شما به هر حال باید فکر کنید،

پس چرا افکار بزرگ نداشته باشید؟

تفکر کل نگر، نحوه ی اندیشه فرد را تمامیت و کمال بخشیده، و برای او چشم انداز فراهم می کند.

این کار همانند بزرگ کردن قاب عکسی است که طی آن نه تنها وسعت دید خود را افزایش می دهید بلکه انجام دادن کار را نیز به نمایش می گذارید.

تماس مرتبط با متفکران کل نگر شما را متوجه این امر خواهد کرد که آنها از این خصوصیات برخوردارند:

میل به یادگیری مداوم

متفکران کل نگر هیچگاه به دانسته های خود اکتفا نمی کنند و با آن اکتفا نمی شوند.

این افراد همواره در پی دیدار از محل های تازه، مطالعه ی کتاب های تازه، ملاقات با افراد جدید، و یادگیری مهارت های تازه هستند.

به همین جهت هم اغلب می توانند موارد از هم گسیخته را به هم متصل کنند. آنها یادگیرنده هایی مادام العمر هستند.

من برای یادگیری، هر صبح، زمانی را به تفکر درباره ی امکانات یادگیری آن روز اختصاص می دهم.



من با نگاهی به تقویم و فهرست کارهای همان روز افرادی که قرار است ملاقات کنم، مطالعات در پیش رو، و ملاقات ها، بهترین مکان ها برای یادگیری را مشخص میکنم.

سپس مواردی را که موجب اصلاح و پیشرفتم در آن وضعیت می شوند در ذهن می آورم. شما هم اگر مایل که آموختن را در وجود خود نهادینه کنید، بهتر است به بررسی هر روزی که در پیش دارید پرداخته و در جستجوی امکانات یادگیری باشید.

گوش دادن به دیگران

یکی از روش های بسیار عالی برای وسعت بخشی به تجربیات، گوش دادن به افراد متخصص و خبره است به خصوص در اموری که شما از آنها بی اطلاعاتید.

من همواره در جستجوی این فرصت ها هستم.

چند سال پیش در جشنی که بازیکنان فارغ التحصیل فوتبال به مناسبت قهرمانی در آخرین مسابقه ی کالج خود برپا کرده بودند قرار بود برای ۹۰۰ تن از مربیان و بازیکنان و سخنرانی کنم.



پس از سخنرانی، برایم این امکان پیش آمد تا با دامادم استیو باسرمربیان فوتبال کشوری، شام بخوریم.

چنین موقعیت هایی به ندرت دست می دهد، لذا از فرصت استفاده کرده و راجع به کار تیمی سوالات متعددی را مطرح کردم و با دقت به سخنانشان گوش دادم.

در پایان مراسم، هنگام بازگشت به اتومبیل استیو گفت: شرط میبندم از آن مربیان دستکم ۱۰۰ سوال پرسیده باشی.

در جواب گفتم: باید هنگام ملاقات با مردم برنامه داشته باشید تا بیاموزید. این بهترین روش همکاری با مردمی است که دانش بیشتری از شما دارند.

متفکران کل نگر تشخیص می دهد که فاقد احاطه ی کامل به همه ی موضوعات هستند.

آنها برای وسعت بخشی به دانسته ها و تفکر خود پیوسته در پی پرسش های نافذ هستند.





شما هم اگر میخواهید متفکر کل نگر بهتری باشید، پس شنونده ی خوبی شوید.

گسترده‌گی دید

بسیاری از چیزها هرچند در محدوده ی شعاع دید من قرار دارند ولی چون در محدوده‌ی شعاع فهم مان نیستند از نظر پنهان می مانند.

انسان عادت دارد ابتدا به پیرامون خود بنگرد. مثلاً، وقتی شرکت کنندگان یک کنفرانس وارد یک سالن می شوند، محل پارک ماشین، یافتن یک صندلی مناسب و راحت، کار کردن درست بلندگو ها و زمان درست ساعت استراحت را بیشتر از همه مد نظر قرار می دهند.

اگر من برای سخنرانی در همان کنفرانس وارد سالن شوم، مایلیم از درستی نورپردازی، کارکرد صحیح تجهیزات صوتی، محل درست قرار گرفتن بلندگو ها، و غیره مطلع باشم.

بنابراین شخصیت شماست که تعیین کننده ی بینش و نگرش شما می باشد و این که چگونه فکر می کنید.

متفکران کل نگر به دنیای اطرافشان توجه دارند و به خود زحمت می دهند تا از دنیای خود خارج شده و به تماشای دنیای دیگران از دریچه ی چشمان آنها بپردازند.

دیدن تصویر وقتی در درون قاب قرار دارید کار ساده ای نیست.

برای این که ببینید دیگران چگونه می بینند باید از اول از نحوه ی تفکر آنها آگاه شوید.



مستمع خوب شدن مسلماً در این امر به شما کمک خواهد کرد. بنابراین از مسائل شخص خود گذشته و سعی کنید از منظر دیگران به قضایا بنگرید.

کامل زیستن

ارزش زندگی به طول آن نیست، بلکه در استفاده درست از آن است، یک فرد ممکن است از عمری طولانی برخوردار شود، ولی ضمناً زندگی کوتاهی داشته باشد.

در حقیقت شما می توانید زندگی را هر طور که مایلید بگذرانید، ولی این امکان فقط یکبار برایتان پیش می آید.

تبدیل شدن به یک متفکر کل نگر کمک می کند تا فردا از یک زندگی کامل و بسیار پربار برخوردار شود، که توان درک کل نگری را دارند با گسترش دنیای خود به گسترش تجربیاتشان دست می زنند.

در نهایت هم بیشتر از مردم تنگ نظر کارها را به انجام می رسانند. و چون احتمال دیدن مولفه های بیشتری مانند موقعیت ها، مردم، روابط، تنظیم زمانی و ارزش های متفاوت برایشان فراهم می شود.



لذا کمتر با موارد غیر منتظره و ناخواسته مواجه می شوند. همچنین درجه ی تحمل دیگران و رویایی رویی با افکار گوناگون برایشان بالاتر است.

جان ماکسول